

> هوالحكيم <

عنوان:

آیا خداوند علت تامه است؟!!



دکتر وحید باقر پورکاشانی

© صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ ©



@SERATEHAGHI

آتش، علت هست، اما به تنهایی جوجه می‌شه؟! نمی‌شه! جوجه
علت هست، به تنهایی اون جوجه حاضر و آماده می‌شه؟ نمی‌شه!
هر کدام از این‌ها علت ناقص هست؛ در کنار هم دیگه هم رو
تکمیل می‌کنن می‌شه علت تامه! يك جوجه کباب درست و
حسابی، نون هم میاره در کنار همدیگه می‌خوریم؛ این می‌شه علت
تامه! این‌ها می‌گن خدا علت تامه هست یا علت ناقصه؟ خب
اگر بگه علت ناقصه هست مثلاً می‌شه مثل اون آتش، باز چوب
می‌خواد، می‌گه پس خدا می‌شه نیازمند! يك چیز دیگه‌ای باید
باشه دیگه کمک خدا بکنه! و غیر خدا کسی معنی نداره که بخواد
کمک خدا بکنه! خدا می‌شه محتاج! پس خدا علت تامه‌ست؛
علت تامه بشه باید بشه جوجه به تعبیری، علت تامه بشه می‌شه
مثل آتش، علت تامه هست باید نور و حرارت بده، نمی‌تونه نده!
معلول، قابل انفکاک از ذات علت نیست. لذا می‌گن که مخلوقات
ازلی هست؛ یعنی چی؟ یعنی خدا بوده، بوده، بوده، مخلوقات هم
بوده، بوده، بوده؛ می‌گه چرا؟ می‌گه خداوند به خاطر این که علت
تامه هست! همین‌طور که آتش علت تامه باشه باید نور و حرارت
بده، خدا هم علت تامه هست باید ازش مخلوق صادر بشه!

حالا خدا، خدا برای این که مخلوقات رو ایجاد بکنه نیازمند به چیز دیگه داره یا نداره؟ نیاز داره به چیز دیگه؟ غیر خدا داره چیزی؟ نه! پس علت ناقصه نیست، پس شد علت تامه! علت تامه رو چی تعریف می کنن؟ می گن همین که وجود داشته باشه باید معلول ازش صادر بشه. می دونید چه مشکلی پیش میاد؟ این مشکلش اینه که خداوند نمی تونه خلق نکنه! خوب دقت بکنید! خدا محتاج غیر نیست، خدا هم ازلی هست؛ خدا نمی تونه خلق نکنه! چرا؟ چون علت تامه باید معلول صادر بشه! آتش می تونه باشه و آتش باشه نور نده؟! حرارت نده؟! چرا؟ چون می گه آتش علت تامه هست دیگه! نور و حرارت باید ازش صادر بشه. می گه خدا هم یا علت ناقصه هست یا علت تامه؛ علت ناقصه که نیست می شه محتاج، علت تامه هست، نمی تونه ازش اثر صادر نشه! خلق صادر نشه! پس خدا در این که خلق بکنه می شه چی؟ ذاتش می شه چی؟ باید خارج کنه! می تونه جلوش رو بگیره؟ آتش می تونه نور نده؟ حرارت نده؟ نمی تونه! خدا چی؟ خدا هم نمی تونه!

یعنی این‌جا می‌گه خدا مختار هست، اما در باطن، خدا رو مجبور کردی! تنزل دادی در حد يك آتش! خوب دقت بکنید! این مطالب رو اگه مواجه شدید، حالا ما می‌گیم که بله! خداوند متعال می‌تواند باشد، خلق نکند! اراده کند خلق کند. اراده هم فعل خداوند هست، عین ذات نیست؛ عین ذات باشه ذاتاً می‌تونه خدا نباشه! ذاتاً هم نمی‌تونه اراده نکنه! چون ذاتش هست. پس اراده، عقلاً برهان داریم در فرمایشات قرآن و روایات هم آوردن فعل خداوند هست. خداوند می‌گه پس علت تامه نیست، پس علت ناقصه هست؛ می‌گه تو چرا گفتی یا علت تامه هست یا علت ناقصه؟! بگیم چی؟ این‌طوری بگو: خدا یا علت تامه هست یا علت ناقصه؛ علت تامه دو جور هست: یا علت تامه‌ی موجب داریم یا علت تامه‌ی مختار داریم. آتش چیه؟ علت تامه‌ی موجب هست، مجبور هست که حرارت بده! اما خداوند علت تامه هست به این معنی که نیاز به غیر نداره، اما بخواهد اراده می‌کند، بخواهد اراده نمی‌کند! خلق نمی‌کند! اون‌طوری آیا آتش می‌تونه جلوی نور خودش رو بگیره؟ نمی‌تونه! آیا خداوند خلق می‌کنه می‌خواد اصلاً معدوم بکنه، این بساط رو جمعش بکنه، می‌تونه!

این می‌شه اختیار! لذا اختیار چیه؟ اختیار یعنی:

لَهُ أَنْ يَفْعَلَ لَهُ أَنْ لَا يَفْعَلَ! برای او باشه فعل انجام بده، برای او باشه فعل رو ترك بکنه. اما اگه ما علت تامه بدونیم به اون معنا یا مثل آتش بدونیم، فقط لَهُ أَنْ يَفْعَلَ معنا می‌ده! فقط می‌تونه فعل صادر کنه! لَهُ أَنْ لَا يَفْعَلَ معنا نمی‌ده! نمی‌تونه ترك فعل بکنه! لذا مختار نیست، می‌شه مجبور!

اون‌ها می‌گن آقا نه! ما می‌گیم آتش فرق می‌کنه، آتش علم به فعلش نداره، رضایت به فعلش نداره! خداوند می‌دونه که چی خلق می‌کنه رضایت هم داره چی خلق می‌کنه!
می‌گه این مشکل رو حل نمی‌کنه، خداوند چه بداند چه خلق می‌کند چه رضایت داشته باشه، مجبوره خلق بکنه! نمی‌تونه جلوی خلق بگیره! نمی‌تونه خلق نکنه! خدا رو مجبورش کردیم!!

این حرف‌ها رو آگه بگم چه کسانی قائل به این حرف‌ها هستن، الان همه‌ی این چشم‌ها دو برابر می‌شه! من این‌ها رو اسم نمی‌برم، خیلی محترمند، دارم قاعده رو بهتون می‌گم که این چیزی که برهان عقلی هست، این چیزی که در فرمایشات حضرات معصومین هست، این چیزی مطرحه دارم بهتون می‌گم، با عقل و وجودتون هم نگاه می‌کنید با فطرتون هم می‌بینید سازگار هست. پس خداوند علت تامه‌ست به این معنی که نیاز به غیر نداره، اما مختار هست! بعدش هم خلق ازلی تعلق پیدا نمی‌کنه! خلق یعنی چی؟ یعنی نبوده بود شده باشه، خلق ازلی چی هست؟ اون که خلق نیست، اگر از ازل باشه وجودش بوده دیگه! نبوده بود که معنا نداره! همیشه بوده! خب همیشه بوده پس خلق چیه؟ بعد می‌گه نه اون همیشه بوده اما محتاج به او بوده! بله! ما هم می‌گیم محتاج به او بوده، اما دیگه خلق نیست، همیشه بوده دیگه! پس اون چیزی که همیشه بوده، وجودش رو از غیر نگرفته، وقتی وجودش رو از غیر نگیره در تداوم حیاتش هم قائم به خودشه! پس نکته‌ای که این‌جا باید توجه بکنید اینه!

مرحوم آقا شیخ (آیت‌الله علامه شیخ مجتبی قزوینی)
می‌فرمایند چی؟ می‌گن «و علیت و معلولیت غیر قابل تخلف
در افعال خداوند متعال، باطل است». این علیت و معلولیت که
می‌گین ما قبول نداریم! چرا؟ چون خدا رو مجبور می‌کنیم!
غیر قابل تخلف! یعنی مجبوره که صادر بشه تخلف نمی‌کنه، تا
خدا باشه باید ازش صادر بشه. بعد می‌فرمایند چی؟
«كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ». اگه بنا باشه که به جبر صادر بشه، یعنی
که خدا باشه و بشه، پس هر روز شانی هست یعنی چی؟ یعنی
هر روز بخواد تغییراتی می‌ده! هر روز بخواد مخلوق اضافه
می‌کنه، کم می‌کنه، تغییر می‌ده دیگه!
«كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ»! این خودش دلالت بر اینکه خداوند
علت تامه‌ای که شما دارید مطرح می‌کنید نیست! اراده‌ی
خداوند دخالت دارد؛ بخواد خلق می‌کند! بخواد معدوم
می‌کند! بخواد خلق نمی‌کند!

كُلَّ يَوْمٍ!

هر روز شانی هست، خلقی هست!